

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۸۸/۰۱/۱۶

موضوع: « الجمع بين الصلاتين: بررسی احادیث اهل بیت علیهم السلام (۲) »

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

ما در رابطه با الجمع بين الصلاتين هفت - هشت روایت را با بررسی سندی از ائمه علیهم السلام عرض کردیم. این روایات مبنی بر جواز جمع بین ظهر و عصر، مغرب و عشاء از ائمه علیهم السلام بود و در غالب این روایات هم به عمل رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم استناد شده بود مثلاً:

«قد كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عمل بهذا»

این هفت هشت تا روایات تقریباً مقید به عذر بود مثلاً امام صادق می فرمود:

«انا فى حاجة»

من کار دارم و می خواهم جمع کنم.

یا در لیلۀ مطیره شب بارانی و امثال این قضایا بود.

آخرین روایتی که ما در جلسه قبل عرض کردیم روایت قُرب الإسناد بود که امام باقر سلام الله علیه:

« أنه كان يأمر الصبيان يجمعون بين الصلاتين : الأولى والعصر ، والمغرب والعشاء ما داموا على وضوء قبل أن

يشتغلوا »

بچه‌ها وقتی وضو گرفتند قبل از این‌که وضوی‌شان باطل بشود وادار کنید که نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاءشان را با هم بخوانند

وسائل الشیعة ( آل البيت ) - الحر العاملي - ج ۴ ص ۲۱۸، حدیث ۴۹۶۴.

در سند این روایت محمد ابن عیسی ابن عبید یقطنی است ایشان ثقة است، عبدالله ابن میمون قداح ثقة است و روایت صحیح است؛ ولی در این‌جا روایت مقید به صلاة صبیان است آن هم:

«ما داموا علی وضوء قبل أن یشغلوا»

این‌که بچه‌ها پنج بار بروند وضو بگیرند و نماز بخوانند برای‌شان سخت است شاید از نماز زده بشوند، امام می‌فرماید که این‌ها جمع بخوانند.

در جلسه قبل عرض کردم در سند حسن ابن ظریف نیست حسین ابن علوان است ظاهراً من روایت را ننوشته بودم ولی سند روایت را نوشته بودم روایت این است که:

«عن الحسن بن ظریف ، عن الحسين بن علوان ، عن جعفر بن محمد ، عن أبيه ، عن علي ( عليهم السلام )

قال : كان رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) يجمع بين المغرب والعشاء في الليلة المطيرة ، فعل ذلك مراراً»

در شب بارانی نبی مکرم، بارها نماز مغرب و عشاء را جمع کردند

وسائل الشیعة ( آل البيت ) - الحر العاملي - ج ۴ ص ۲۲۰

حسن ابن ظریف ثقة است ولی حسین ابن علوان عامی مذهب و سنی مذهب است و مورد وثوق ما نیست.

روایت آخری هم که خواندیم از مرحوم شهید در ذکری بود، کتاب عبدالله ابن سنان در دستش بوده از ایشان

نقل کرده روایت صحیح است چون واسطه‌ای در این‌جا نیست

« أن رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) كان في السفر يجمع بين المغرب والعشاء والظهر والعصر إنما يفعل ذلك إذا كان مستعجلاً »

نبی مکرم در سفر وقتی که عجله داشتند بین ظهرین و عشاءین را جمع می‌کردند.

وسائل الشیعة ( آل البيت ) - الحر العاملي - ج ٤ ص ٢١٨، حدیث ٤٩٦٤.

بعد حضرت فرمود:

«وتفريقهما أفضل»

جدا کردن این نمازها، افضل است.

تمام این روایت‌های را که ما عرض کردیم در وسائل، جلد ٤ از صفحه ٢١٨ تا ٢٢٠ است.

از این جا به بعد به دسته‌ی دوم از روایات می‌رسیم شاهد مثال اساسی ما این جا است:

«جواز الجمع بين الصلاتين لغير غدر»

آن جایی که هیچ عذری، سفری، هوای بارانی و امثال این‌ها نیست از ائمه‌علیهم السلام در این جا هم حدود ده تا دوازده روایت است؛ ولی روایات صحیحه در این جا خیلی کم است گرچه یکی دو تا هم صحیح باشد برای ما کفایت می‌کند.

روایت اول:

« محمد بن علي بن الحسين يأسناده ، عن عبد الله بن سنان ، عن الصادق ( عليه السلام ) أن رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) جمع بين الظهر والعصر بأذان وإقامتين، وجمع بين المغرب والعشاء في الحضر من غير علة بأذان واحد وإقامتين.»

## وسائل الشيعة ( آل البيت ) - الحر العاملي - ج ٤ ص ٢٢١

این خیلی صریح است که نبی مکرم در حضر - در سفر هم نبود- بدون هیچ علت و مانعی - نه لیلۃ مطیره بود و نه هیچ مانع دیگری - به یک اذان و دو اقامه نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را اقامه فرمودند، روایت هم صحیح است اسناد شیخ، عبدالله ابن سنان صحیح است و عبدالله هم ثقہ است و در او شکی نیست و سند مشکلی ندارد، این یک روایت صحیح در این باب!

روایت دوم را شیخ صدوق در علل الشرایع دارد:

«عن الحسين بن أحمد بن إدريس عن أبيه ، عن أحمد بن محمد بن عيسى ، عن علي بن الحكم ، عن إسحاق بن عمار»

## وسائل الشيعة ( آل البيت ) - الحر العاملي - ج ٤ ص ٢٢١

حسین ابن احمد ابن ادريس ثقہ است، احمد ابن محمد ابن عيسى هم ثقہ است، علی ابن حکم ثقہ است اسحاق ابن عمار! در رابطه با اسحاق ابن عمار بحث است که آیا اسحاق ابن عمار فطحي مذهب است یا نه؟ آنچه که مرحوم سيد بحر العلوم در رسائلشان دارند آنجا ایشان ثابت کرده که اسحاق ابن عماري که فطحي مذهب است اصلاً در سند روایات ما این آقا قرار نگرفته است.

تمام روایاتی که ما از اسحاق ابن عمار در اسانید روایاتمان داریم اسحاق ابن عمار شیعی و ثقہ است. این مطلب را مرحوم کلباسی در کتاب سماع المقال آورده و ما مفصل در پاورقی این قضیه را توضیح دادیم و قرائن دیگری هم که در خاطر دارم آوردیم که اسحاق ابن عماري که در اسانید روایات ما است «امامی و ثقہ» اگر ایشان فطحي هم باشد روایتش موثقہ می شود و روایت موثقہ هم معتبر است.

ولی ظاهر قضیه این است که اسحاق ابن عمار صیرفی و امامی است و روایات متعددی هم از آقا امام هشتم و از امام کاظم سلام الله علیهما دارد و روایت صحیحه است در این روایت آمده است:

«إن رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) صلى الظهر والعصر في مكان واحد من غير علة و لا سبب»

بدون هیچ علت و سببی آقا نبی مکرم نماز ظهر و عصر را در یک جا خواندند

«فقال له عمر - وكان أجراً القوم عليه- أحدث في الصلاة شيء؟»

عمر که جری‌ترین افراد نسبت به پیغمبر بود گفت: یا رسول الله شما که نماز ظهر و عصر را جمع خواندید آیا وحی جدیدی نسبت به نماز نازل شده یا قانون جدیدی درباره نماز آمده است؟

« قال : لا و لكن أردت أن أوسع على أمتي»

پیغمبر جواب دادند نه! قانون و آیین جدیدی نیامده و لكن خواستم با این کارم بر امتم توسعه داده باشم این‌ها را در فشار قرار ندهم.

در این جا اولاً نبی مکرم بین ظهرین و نیز بین عشائین « من غير علة ولا سبب » جمع کرده و حکمت آن را هم بیان کرده که من خواستم بر امتم توسعه بدهم این‌ها در وسع باشند هر وقت برای شان امکان بود تفریق کنند و اگر امکان نبود جمع بخوانند یعنی بتوانند هم نماز جمع هم نماز تفریق بخوانند و خودشان را به مشقت نیاندازند که حتماً مقید باشند نمازها را در پنج وقت بخوانند.

این مطلب را هم ایشان می‌گویند که فتوا دادن بر پنج وقت و الزام کردن خلاف نظر نبی مکرم و سنت است.

پس ما سه تا استفاده فقهی کردیم یکی عمل پیغمبر بر جواز جمع؛ دوم حکمتش را هم که بیان کردند؛ سوم اینکه هرگونه فتوایی بر الزام در تفریق خلاف نظر و سنت پیغمبر است.

سند روایت هم صحیح است در سند روایت اسحاق ابن عمار است، به طور فرض اگر فطْحی هم باشد «فطْحی ثقه»، موثقه می‌شود در حالی که فطْحی ثقه نیست غیر فطْحی و امامی است. این دو روایت.

روایت سوم:

«وعن أحمد بن محمد بن يحيى ، عن أبيه، عن أحمد بن محمد بن عيسى ، عن محمد بن سنان ، عن عبد الملك القمي ، عن أبي عبد الله ( عليه السلام )»

احمد ابن محمد ابن يحيى، ثقه است، پدرش محمد ابن يحيى ابو جعفر عطار ثقه است، محمد ابن سنان را هم گفتیم ثقه است؛ ولی عبدالملک قمی مجهول است، برای ضعف روایت ولو یک نفر هم مجهول باشد کفایت می‌کند.

«عبد الملك القمي ، عن أبي عبد الله ( عليه السلام ) قال : قلت له : أجمع بين الصلاتين من غير علة ؟ قال : قد فعل ذلك رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) ، أراد التخفيف عن أمته»

آیا بین دو نماز بدون هیچ علت و سببی جمع کنیم؟ گفت پیغمبر اکرم این کار را انجام داده است. و با این کارش اراده کرده برای امتش تخفیف بدهد.

یعنی این‌ها را در فشار قرار ندهد و این‌ها در به جا آوردن نماز آزاد باشند. این‌ها نشان می‌دهد که گرچه روایت، سنداً مشکل دارد؛ ولی چون ما روایت صحیحی را قبلاً عرض کردیم می‌تواند مؤید باشد چون روایت ضعیف، ملاک سند نمی‌تواند قرار بگیرد ولی مؤید حدیث صحیح می‌تواند باشد.

این هم مثل روایت قبلی هم دلالت بر جواز می‌کند که این جواز برای تخفیف امت است.

«كان لتخفيفِ على الامة لعدم وقوع الأمة في حرج»

پرسش:

استاد! این که مضمون حدیث، حدیث صحیح را تأیید می‌کند می‌تواند وثاقت راوی را ثابت کند؟

پاسخ:

نه، از آن جهت نمی‌شود. اثبات وثاقت یک دنیای دیگری دارد. در مورد مضمون شما ببینید سه چهار تا روایت ضعیف دست به دست هم می‌دهد مضمون را ثابت می‌کند ولی روایت را نمی‌توانیم بگوییم صحیح است.

چون امام یک دفعه بیان کرده ده نفر پای صحبت حضرت بودند از این ده نفر، دو نفرشان آدم ثقه بودند و هشت نفرشان هم غیر ثقه بودند، شنیدن کلام معصوم، افراد را ثقه نمی‌کند.

روایت چهارم:

«وعن علي بن عبد الله الوراق و علي بن محمد القزويني»

علی ابن محمد وراق ثقه است علی ابن محمد قزوینی غیر ثقه؛ ولی چون این‌جا دو نفر نقل کرده‌اند روایت دارای سند حیلولة است و ضرر نمی‌زند، یک طریق ما هم ثقه باشد کفایت می‌کند.

«عن سعد بن عبد الله»

سعد ابن عبدالله اشعری و مورد وثوق ما است.

«عن العباس بن سعيد الأزرق»

عباس ابن سعید الازرق مجهول است

«عن زهير بن حرب»

زهیر ابن حرب مجهول است.

« عن سفیان بن عیینة »

سفیان ابن عیینة فوق مجهول! و از مفتیان اهل سنت است.

« عن الزبیر »

زبیر هم مجهول است، ابو زبیر محمد ابن مسلم است.

« عن سعید بن جبیر »

سعید ابن جبیر که ثقة است، ابن عباس هم از دیدگاه ما ثقة ولی به خاطر این که دو سه تا راوی مجهول ما این جا داشتیم مثل عباس ابن سعید، زهیر، سفیان، ابو الزبیر چهار تا راوی مجهول و ضعیف داشتیم؛ پس روایت غیر صحیح است.

ولی مضمون روایت، مضمونی است که در کتب اهل سنت در صحیح مسلم همین مضمون آمده و ما بخواهیم بر اهل سنت استدلال کنیم مشکلی نداریم.

روایتش این است:

« جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ جَمِيعًا بِالْمَدِينَةِ مِنْ غَيْرِ خَوْفٍ وَ لَا سَفَرٍ »

« فَقَالَ أَرَادَ أَنْ لَا يُحْرَجَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أُمَّتِهِ »

ابن عباس گفت: تا احدی از امت به فشار نیفتد.



النيسابوري القشيري، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ۲۶۱هـ)، صحيح مسلم، ج ۲، ص ۱۵۲، ناشر: دار  
الفکر - بيروت، بي تا.

نبی مکرم نظرش این بوده که احدی از امت به فشار نیفتد. از آن جا که این روایت از دیدگاه ما، صحیح نیست  
ما اگر بخواهیم استناد کنیم به عنوان مؤید روایات صحیح می توانیم استفاده بکنیم؛ ولی برای اثبات این قضیه  
برای اهل سنت می توانیم به این روایت استناد کنیم؛ چون عین این روایت لفظاً و مضموناً در صحیح بخاری و  
مسلم آمده از آن جهت مطلب تمام است، روایت هم بر جواز و هم بر حکمت جواز دلالت می کند.

روایت پنجم:

«وبالاسناد عن العباس الأزرق ، عن ابن عون بن سلام الكوفي ، عن وهب بن معاوية الجعفري، عن أبي الزبير ،  
مثله»

در این روایت همه روات مجهول هستند، همان متن هم است.

روایت ششم:

«وبالاسناد عن سعد بن عبد الله»

شیخ صدوق به اسنادش از سعد ابن عبدالله هیچ مشکلی ندارد.

«عن محمد بن عبد الله بن أبي خلف ، عن أبي يعلى بن الليث والي قم ، عن عون بن جعفر المخزومي ، عن  
داود بن قيس الفراء ، عن صالح ، عن ابن عباس»

فقط در این جا سعد ابن عبدالله مورد وثوق است، مابقی همه مجهول هستند مضمون روایت هم این است:

« عن ابن عباس أن رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) جمع بين الظهر والعصر والمغرب والعشاء عن غير مطر ولا سفر»

همان متن روایت صحیح مسلم است.

«فقیل لابن عباس : ما أراد به ؟ قال : أراد التوسيع لامته»

هدف پیغمبر چه بود؟

البته کلمه توسیع در صحیح مسلم نیست آنجا دارد:

«أن لا يخرج على أمته»

روایت مثل سابقش هم بر جواز دلالت می کند هم بر هدف پیغمبر که:

«عدم وقوع الامة في حرج»

روایت هفتم که روایت غیر صحیح است

«وبالاسناد عن زهير بن حرب»

زهیر ابن حرب مجهول است.

«عن إسماعيل بن عليّة»

ایشان مجهول است

«عن ليث»

لیس ابن ابی سلم ایشان هم مجهول است.

«عن طاوس»

طاوس ابن کیسان یمانی و مجهول است

«عن ابن عباس أن رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) جمع بين الظهر والعصر والمغرب والعشاء في السفر

والحضر»

...چه در سفر و چه در حضر، نبی مکرم نماز را جمع خواندند.

این روایت هم دلالت بر جواز جمع می‌کند چه در سفر و چه در حضر.

این هفت تا روایتی که ما خواندیم جز دو روایت اول همه غیر صحیح است. اگر همین غیر صحیح‌ها هم به تنهایی بود، مفید بود. چون ضعف روایت به خاطر مجهول بودن راوی است فرق است بین این‌که ما بگوییم روایت ضعیف است «لقول الراوی کذابا».

پنجاه تا روایت کذاب اگر دست به دست هم بدهند هیچ مطلبی را تمام نمی‌کند یا می‌گوییم راوی وضاع است فرق است بین روایتی که ضعیف است و بین روایتی که دروغ و جعلی است، هزار تا روایت دروغ را شما کنار هم بچینید مثل این‌که هزار تا صفر گذاشتید و جمع می‌زنید باز مساوی با صفر می‌شود.

ولی روایات ضعیف، مخصوصاً آن‌جا که ضعف روایت به خاطر جهل روات یا مهمل بودن روات باشد این‌ها ضرر نمی‌زند.

روایت هشتم:

«وبالاسناد عن العباس بن سعيد الأزرق»

سعید ازرق مجهول است

« عن سويد بن سعيد الأنباري »

ایشان هم مجهول است

« عن محمد بن عثمان »

مجهول است

« عن الجمحي »

جُمحی جد محمد ابن عثمان است، محمد ابن عثمان ابن صفوان جمحی است کلمه جُمح صفت صفوان است، ایشان هم مجهول است.

« عن الحكم بن أبان »

مجهول است

« عن عكرمة »

عِكرمه غلام ابن عباس بود، که ناشر افکار نواصب در منطقه غرب بوده و از معاندین اهل بیت بود و کسی بود که در کوچه می رفت و فریاد می زد و می گفت هر کسی بخواهد من حاضر هستم با او مباحله کنم که آیه تطهیر، درباره زنان پیغمبر نازل شده است! آدم خیلی مغرض بوده و علیه اهل بیت حرف می زده است.

متأسفانه در بعضی از کتابها خیلی از او تجلیل شده است! مخصوصاً آقای معرفت در کتاب تفسیر اثری چهار پنج صفحه درباره مدح و فضائل عِكرمه صحبت کرده است! آیت الله سبحانی خودش به من فرمود من روزی به

آقای معرفت گفتم: این عکرمه‌ای که منافق و از خوارج و ناصبی است شما این همه درباره او مدح و فضائل آوردی مگر سنی شدی این طوری از عکرمه تمجید کردی؟!

ایشان گفت این اشتباه شده در چاپ‌های بعدی اصلاح خواهم کرد. ولی عمر ایشان وفا نکرد که این‌ها را اصلاح بکند، ایشان در کتاب تفسیر اثری لغزش زیاد دارد.

« عن ابن عباس ، وعن نافع ، عن عبد الله بن عمر »

« أن النبي ( صلى الله عليه وآله ) صلى بالمدينة مقيما غير مسافر ( جميعا وتماما جمعا ) »

هم این‌ها را در یک جا خواند و هم تمام و شکسته خواند.

روایت نهم:

روایت نهم روایتی است که محمد ابن یعقوب کلینی دارد.

«محمد بن یعقوب ، عن محمد بن يحيى»

محمد ابن یحیی عطار ابو جعفر القمی است، روایت صحیحه بلکه صحیحه‌ی اعلائی است، یعنی در این ده دوازده تا روایت از نظر سند از همه محکم‌تر و از نظر متن از همه صریح‌تر است.

راوی بعدی:

«عن أحمد بن محمد»

احمد ابن محمد ابن عیسی قمی است که جزو اصحاب اجماع و از شخصیت‌های برجسته است.

«عن علي بن الحكم عن عبد الله بن بكير»

علی ابن حَکَم هم انباری و ثقہ است، عبدالله ابن بکیر کہ از اصحاب اجماع و مورد وثوق است.

«عن زرارة»

زراره کہ از اجلائی روات شیعه است.

غرض این کہ روایان حدیث همه ثقہ و در بالاترین مرتبه وثاقت هم هستند.

«عن أبي عبد الله ( عليه السلام ) قال : صلى رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) بالناس الظهر والعصر حين زالت

الشمس»

ظهر و عصر را وقتی کہ آفتاب از وسط، دایره‌ای نصف النهار رد شد اقامه کردند.

«في جماعة من غير علة»

بدون هیچ علت و سببی جماعت خواند

«وصلی بهم المغرب والعشاء الآخرة قبل سقوط الشفق من غير علة في جماعة»

قبل از آن کہ سفیدی بعد از مغرب از بین برود نبی مکرم نماز مغرب و عشاء را خواندند.

بعد حضرت فرمود:

«وإنما فعل رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) ليتسع الوقت على أمته»

برای این کہ در وقت نماز بر امتش توسعه داده باشد.

الحر العاملي، محمد بن الحسن، متوفای ۱۱۰۴ق، وسائل الشیعه الی تفصیل مسائل الشریعه، ج ۴، ص ۲۲۲،  
تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ناشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث -  
قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴هـ

دقت کنید روایت چند تا دلالت دارد:

یک: جواز جمع بین الصلاتین

دو: فلسفه یا حکمت توسعه بر امت و نشان می‌دهد که انحصار نماز به پنج وقت در حقیقت خلاف نظر پیغمبر و سنت ایشان است.

سه: مهم‌تر از همه این‌ها جمع در اول وقت بود. این ثابت می‌کند فتاوی بعضی از علمای اهل سنت که می‌گویند جمع فرضاً درست باشد در وقت نماز دوم باید جمع کرد، یعنی نماز ظهر را باید تأخیر بیاندازیم تا وقت نماز عصر برسد آن‌جا جمع کنیم یا نماز و عشاء را باید تأخیر بیاندازیم وقت نماز عشاء برسد آن وقت جمع کنیم، این (نظر علمای اهل سنت) را هم باطل می‌کند.

روایت خیلی صریح و از نظر دلالت کاملاً در وسع است و از نظر سند هم صحیح اعلائی است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته